



Migration of Ancient Iranian Culture and Literature to Arabic and Persian Literature (The Case Study of Patience)

Vahid Sabzianpoor¹| Hoda Rezaei²| Faride Ahmadi³

1. Corresponding Author, Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: wsabzianpoor@yahoo.com
2. Secretary of Education, PhD Student of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: rezaei.hda@gmail.com
3. M. A. Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: farideh.ahmadi995@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 27 August 2020

Received in revised form:
20 June 2021

Accepted: 22 June 2021

Keywords:

Patience,
comparative literature,
pre-Islamic Iranian culture,
Arabic literature.

ABSTRACT

Persian and Arabic literature are precious treasures of wisdom and literacy. The existing moral and humanity-related concepts in these two types of literature are originated in Islamic and Quranic culture as well as cultural heritage of Iranian in the pre-Islamic period. The concept of patience is one of the most predominant concepts in Islamic, Arabic, and Persian culture which has been taken into account by sages, poets, and speakers from multiple aspects including; the provided advice for patience, effects and results of patience, types of patience, etc. The evident point is, Persian literature has pursued Arabic and Islamic literature since in descriptive and explanatory Persian literary texts such as Golestan, Bostan, Diwan Hafez, Diwan Nasser Khosrow, Masnavi, etc., multiple signs of Arabic literature can be found. While the theme of patience existed in Iran before Islam, the signs and clues, respecting this particular theme, can be found in ancient Arabic literature. The purpose of the current research is to introduce a part of ancient Persian culture and literature that has been neglected by many experts and commentators of Persian literary texts. As the results have depicted, Iranians were familiar with this theme before Islam, the related interpretations of this theme have penetrated Arabic literature and, then, they have become the source of many literary interpretations afterwards.

Cite this article: Sabzianpoor, V., Rezaei, H., Ahmadi F. (2023). Migration of Ancient Iranian Culture and Literature to Arabic and Persian Literature (The Case Study of Patience). *Research in Comparative Literature*, 12 (4), 21-43.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: [10.22126/JCCL.2021.5657.2170](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.5657.2170)



شعاع من تأثير الثقافة والأدب الإيراني القديم في الأدب العربي والفارسي (دراسة حالة: الصبر)

وحيد سبزيان پور^١ | هدى رضائي^٢ | فريده احمدي^٣

١. الكاتب المسؤول، أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران. العنوان الإلكتروني: wsabzianpoor@yahoo.com

٢. معلم وزارة التربية والتعليم، طالبة الدكتوراه في فرع اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران. العنوان الإلكتروني: rezaei.hda@gmail.com

٣. للمجستير في فرع اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران. العنوان الإلكتروني: farideh.ahmadi995@gmail.com

معلومات المقال	الملخص
نوع المقال: مقالة محكمة	الأدب الفارسي والعربي خزين ثمين من الحكمة والمعرفة. المفاهيم الأخلاقية والإنسانية في هذين الأدبين تنبثق من الثقافة الإسلامية والقرآنية وكذلك التراث الثقافي للإيرانيين قبل الإسلام. مفهوم الصبر من المفاهيم في الثقافة الإسلامية والعربية والفارسية التي حظيت باهتمام الحكماء والشعراء والمتحدثين و درسوها من الجهات المختلفة و المطروح عندهم الدعوة إلى التحلي بالصبر وذكرآثاره ونتائجه وذكر أنماطه وأنواعه و ... وما يجلب الانتباه وتكشف عنه النظرة العاجلة إلى هذا الموضوع هو تأثير الأدب الفارسي المباشر بالأدب العربي والإسلامي و ما يتجلى عند العكوف على لنصوص الأدبية الفارسية مثل كلستان ، البستان ، ديوان حافظ ، ديوان ناصر خسرو ، المثنوي ، إلخ بالرؤية التفسيرية حضور العديد من الاشعار و الامثال و الاحاديث من الأدب العربي في النصوص الفارسية. وأيضا موضوع الصبر له حضوره في إيران قبل الإسلام ويمكن العثور على علاماته وإشارات في الأدب العربي القديم. الهدف في هذا البحث هو عرض مظهر من مظاهر الثقافة والأدب الفارسي للإيرانيين قبل الاسلام التي أهملها العديد من الخبراء والمعلقين على النصوص الأدبية الفارسية. وتشير النتائج إلى أن الإيرانيين كانوا على وعي بهذا الموضوع قبل الإسلام ، وأن التعبيرات المختلفة المختصة بهذا الموضوع تسربت إلى الأدب العربي و صار متركزا للتعبيرات الأدبية.

الإحالة: سبزيان پور، وحيد؛ رضائي، هدى؛ احمدي، فريده (١٤٤٤). شعاع من تأثير الثقافة والأدب الإيراني القديم في الأدب العربي والفارسي (دراسة حالة:

الصبر). بحوث في الأدب المقارن، ١٢ (٤)، ٢١-٤٣.



© الكتاب.

النشر: جامعة رازي

DOI: [10.22126/JCCL.2021.5657.2170](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.5657.2170)



پرتوی از تأثیر فرهنگ و ادب ایرانیان باستان در ادب عربی و فارسی (مطالعه موردی: صبر)

وحید سبزیان پور^۱ | هدی رضائی^۲ | فریده احمدی^۳

۱. نویسنده مسئول، استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه:

wsabzianpoor@yahoo.com

۲. دبیر آموزش و پرورش، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

rezaei.hda@gmail.com

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه:

farideh.ahmadi995@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

ادبیات فارسی و عربی گنجینه گران بهایی از حکمت و معرفت است؛ مفاهیم اخلاقی و انسانی در این دو ادب برگرفته از فرهنگ اسلامی و قرآنی و نیز میراث فرهنگی ایرانیان پیش از اسلام است. صبر یکی از مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی، عربی و فارسی از زوایای مختلفی مورد توجه حکیمان، شاعران و گویندگان قرار گرفته است، از جمله توصیه به صبر، آثار و نتایج صبر، انواع صبر و... آنچه در نگاه سطحی و شتابان به نظر می رسد، وام داری ادب فارسی از ادب عربی و اسلامی است؛ زیرا در شرح و توضیح متون ادب فارسی همچون *گلستان*، *بوستان*، *دیوان حافظ*، *دیوان ناصرخسرو*، *مثنوی* و... شواهد بسیاری از ادب عربی دیده می شود؛ در حالی که مضمون صبر در ایران پیش از اسلام وجود داشته و نشانه ها و سرخ های آن را می توان در ادب عربی قدیم یافت. هدف پژوهش حاضر معرفی خوسه ای از خرمن فرهنگ و ادب ایرانیان باستان است که برای بسیاری از صاحب نظران و شارحان متون ادب فارسی مغفول مانده است. نتایج نوشتار پیش رو نشان داده است که ایرانیان پیش از اسلام با این مضمون آشنا بوده اند، تعبیر مربوط به آن به ادب عربی نفوذ کرده؛ سپس سرچشمه بسیاری از تعبیرهای ادبی شده است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱

واژه های کلیدی:

صبر،

ادبیات تطبیقی،

فرهنگ ایران قبل از اسلام،

ادب عربی.

استناد: سبزیان پور، وحید؛ رضائی، هدی؛ احمدی، فریده (۱۴۰۱). پرتوی از تأثیر فرهنگ و ادب ایرانیان باستان در ادب عربی و فارسی

(مطالعه موردی: صبر). *کاووش نامه ادبیات تطبیقی*، ۱۲ (۴)، ۲۱-۴۳.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: [10.22126/JCCL.2021.5657.2170](https://doi.org/10.22126/JCCL.2021.5657.2170)

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

وقتی اثر تاریخی‌ای همچون کانال آب‌رسانی، قبرستان یا بقایای ساختمان باستانی‌ای کشف می‌شود، خبرگزاری‌ها آن را پخش می‌کنند، بسیاری شگفت‌زده می‌شوند، چه‌بسا در رسانه‌های خارج از کشور منتشر می‌شود، مسئولین، این مکان‌ها را در معرض دید مردم قرار می‌دهند و آثار به‌دست‌آمده را در موزه‌ها نگهداری می‌کنند. اگر سودجویان قصد یابی به آن‌ها و فروششان را داشته باشند، از آن رو که به ملت و گذشته آن‌ها تعلق دارد، به شدت با آن‌ها برخورد می‌شود. وقتی شنیده می‌شود یک اثر تاریخی ایرانی از فلان موزه خارج از کشور به موزه‌های داخلی منتقل شده است، همگی احساس رضایت و موفقیت می‌کنند؛ زیرا همه ملت‌های جهان به ریشه‌های استوار و محکم خود افتخار می‌کنند و از بی‌هویتی احساس خوبی ندارند. میراث فرهنگی ما، دریچه‌ای به دنیای پررمز و راز ایرانیان پیش از اسلام^(۱) و تأکید بر این نکته است که گذشتگان ما دارای تمدن بوده، از اصول و مبانی اخلاقی آگاه بوده‌اند و آن‌ها را در زندگی خود به کار می‌برده‌اند.

اگر کشف سکه باستانی نشان از نوع داد و ستد و روابط اقتصادی گذشته دارد؛ اگر تاریخ بافته شده‌ای، نوع پوشش، هنر و صنایع پیشینیان را نشان می‌دهد و اگر در قطعه سفال و یا مفرغ نشانه‌هایی از ابزار و وسایل زندگی و نوع معیشت ایرانیان باستان دیده می‌شود، بی‌تردید آگاهی از مضامین اخلاقی و حکمی رایج در میان آن‌ها، دریچه‌ای برای آشنایی با فرهنگ، اخلاق، روابط انسانی و نگرش آنان به هستی و انسان است؛ بنابراین با توجه به اهمیت فرهنگ و دیدگاه‌های یک ملت نسبت به هستی و روابط انسانی، کشف این نوع مبانی و اصول اخلاقی نباید نسبت به کشف ابزار و وسایل زندگی آن‌ها از اهمیت کمتری برخوردار باشد. نکته قابل تأمل اینکه در شرح و تحلیل آثار گویندگان و شاعران فارسی‌زبان، موضوع فراموش شده‌ای وجود دارد و آن فرهنگ ایرانی است که به شکل سینه‌به‌سینه یا در حافظه جمعی آنان هست؛ ولی در شرح متون ادبی یا پژوهش‌های تطبیقی به‌ندرت دیده می‌شود. در نوشتار پیش رو با تأمل در موضوع صبر و شرح و تفسیر آن در متون ادب فارسی، دیدگاه ایرانیان پیش از اسلام بررسی شده است. لازم به ذکر است آنچه در پی‌نوشت پژوهش حاضر آمده است، گامی در چارچوب ادبیات تطبیقی و مقایسه مضامین مشترک ایرانی، اسلامی و عربی است.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

ضرورت نوشتار پیش رو در ترسیم اندیشه‌های ایرانیان پیش از اسلام به‌عنوان ملتی متمدن و دارای فکر و

فرهنگ است که به سبب کمبود منابع پهلوی، در بوتۀ فراموشی افتاده است. اهمیت پژوهش در تأثیرگذاری ادب و فرهنگ ایرانی در ادب عربی است. این در حالی است که عموم شارحان متون ادب فارسی، ادبیات فارسی را به طور مطلق وابسته به ادب عربی می دانند. هدف از این مقایسه، گامی در مسیر ادبیات تطبیقی با موضوع واحد و تبیین ریشه های حکمی بسیاری از سخنان است که آبخشور آن ها ادب فارسی است؛ ولی امروز لباس عربی به تن دارند.

۱-۳. پرسش های پژوهش

- نگرش ایرانیان باستان به هستی و انسان و روابط انسانی چگونه بوده و تا چه میزان اندیشه های آنان بر فرهنگ و ادب این مرز و بوم تأثیر گذاشته است؟
- ایرانیان پیش از اسلام با امور اخلاقی از جمله صبر، چگونه روبه رو شده اند؟
- اخلاقیات ایرانیان پیش از اسلام، چه تأثیری در ادب عربی گذاشته است؟

۱-۴. پیشینه پژوهش

پژوهش های بسیاری در زمینه سرچشمه های فکری شاعران و نویسندگان فارسی زبان صورت گرفته است؛ اما براساس اطلاعات نظام مند، پژوهش ویژه ای که با استناد به منابع عربی، موضوع صبر را در فرهنگ و ادب ایرانیان پیش از اسلام بررسی کرده باشد، یافت نشد.

۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و برپایه مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی انجام شده است. در نوشتار پیش رو ابتدا نمونه هایی از مضمون صبر و شرح و تفسیر آن ها در متون ادب فارسی استخراج شد، سپس دیدگاه ایرانیان پیش از اسلام با آن مقایسه و بررسی شد. در پی نوشت مضامین مشترک ایرانی، اسلامی و عربی از مقوله صبر با یکدیگر مقایسه شده است.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. موضوع صبر در متون ادب فارسی

۲-۱-۱. مثال و حکم (علی اکبر دهخدا)

دهخدا در *امثال و حکم* شانزده جمله حکیمانه و شعر عربی با مضمون صبر نقل کرده و هیچ اشاره ای به پیشینه این سخنان حکیمانه در ایران باستان نکرده است^(۳):

۱. إِذَا لَمْ يَكُنْ يُنْجَى الْفِرَارُ مِنَ الرَّدَى عَلَى خَالَةٍ فَالْصَّبْرُ أَوْلَى وَأَحْزَمُ

(ابی فراس حمدانی؛ دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۱: ۹۴)

- (ترجمه: اگر فرار از مرگ نجات‌بخش نیست؛ در هر حال شکیبایی سزاوارتر است و به احتیاط نزدیک.)
۲. «الْإِيمَانُ نَصْفَانِ؛ نَصْفٌ صَبْرٌ وَنَصْفٌ شُكْرٌ.» (منسوب به علی (ع)؛ همان، ج ۱: ۲۳۶) (ترجمه: ایمان دو نیمه است، نیمی شکیبایی و نیمی شکر.)
۳. «الْجَزَعُ أَتَعَبٌ مِنَ الصَّبْرِ.» (منسوب به علی (ع)؛ همان، ج ۱: ۲۳۹) (ترجمه: بی‌تابی سخت‌تر از شکیبایی است.)
۴. «الْجَزَعُ عِنْدَ الْبَلَاءِ تَمَامُ الْمِحْنَةِ.» (همان، ج ۱: ۲۳۹) (ترجمه: بی‌تابی هنگام گرفتاری و بلا کمال رنج و محنت است.)
۵. «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ.» (ترجمه: صبر کلید پیروزی است.) (همان، ج ۱: ۲۵۵)
۶. «الصَّبْرُ أَحَبُّ بَذْوَى الْحَيِّ.» (ترجمه: شکیبایی خردمندان را سزاوارتر.) (همان، ج ۱: ۲۵۵)
۷. «الصَّبْرُ حِيلَةٌ مَنْ لَيْسَ لَهُ حِيلَةٌ.» (ترجمه: شکیبایی چاره آن کس باشد که دستش از چاره‌های دیگر کوتاه است.) (همان، ج ۱: ۲۵۵)
۸. «الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تُكْرَهُ وَصَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ.» (ترجمه: شکیبایی بر دو گونه است شکیبایی بر ناپسند و شکیبایی از پسندیده.) (منسوب به علی (ع)؛ همان، ج ۱: ۲۵۵)
۹. «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرُّوحِ مِنَ الْجَسَدِ.» (ترجمه: جایگاه شکیبایی در دین جایگاه جان در تن باشد.) (حدیث؛ همان، ج ۱: ۲۵۵)
۱۰. «ثَمَرَةُ الصَّبْرِ نُجْحُ الظَّفَرِ.» (ترجمه: میوه صبر رسیدن به پیروزی است.) (همان، ج ۲: ۵۷۳)
۱۱. إِي زَايَسْتُ فِي الْأَيَّامِ تَجَرُّبَةً لِلصَّبْرِ عَاقِبَةٌ عَمُودَةُ الْأَثَرِ
وَقُلٌّ مَنْ جَدَّ فِي أَمْرِ يُطَالِيهِ وَاسْتَصْحَبَ الصَّبْرَ إِلَّا فَازَ بِالظَّفَرِ
- (ترجمه: در گذشت روزگار تجربه‌هاست. من عاقبت پسندیده‌ای را برای صبر دیدم. به‌ندرت کسی در خواسته‌های خود در صبر و شکیبایی جدیت می‌کند؛ مگر اینکه پیروز می‌شود.)
۱۲. «الصَّبْرُ مَطِيَّةُ الظَّفَرِ.» (همان، ۱۳۵۲، ج ۲: ۱۰۵۲) (ترجمه: صبر مرکب پیروزی است.)
۱۳. «الشَّجَاعَةُ صَبْرٌ سَاعَةً.» (منسوب به علی (ع)؛ همان، ج ۲: ۱۰۵۲) (ترجمه: شجاعت یک ساعت صبر است.)
۱۴. «قَدُمُ النَّصْرِ مَعَ الصَّبْرِ.» (همان، ج ۲: ۱۱۵۸) (ترجمه: آمدن پیروزی با صبر است)
۱۵. «مَنْ لَا صَبْرَ لَهُ لَا إِيمَانَ لَهُ.» (همان، ج ۴: ۱۷۴۸) (ترجمه: کسی که صبر ندارد ایمان ندارد.)
۱۶. «يَنْزِلُ الصَّبْرُ عَلَى قَدْرِ الْمُصِيبَةِ.» (منسوب به علی (ع)؛ همان، ج ۴: ۲۰۶۳) (ترجمه: صبر به اندازه مصیبت نازل می‌شود.)

۲-۱-۲. متنبی و سعدی (حسینعلی محفوظ)

محفوظ در کتاب متنبی و سعدی، چهار عبارت و بیت از سعدی را با مضمون صبر برگرفته از منابع عربی

دانسته است:

۱. تکبّر کند مرد حشمت پرست نداند که حشمت به حلم اندر است
«أَحْلَمُ تَبْلُ» (محفوظ، ۱۳۷۷: ۱۵۰) (ترجمه: صبور باش تا بزرگ شوی).

۲. منشین ترش از گردش ایام که صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد
لَئِنْ كَانَ بَدَأَ الصَّبْرُ مُرًّا مَذَاقُهُ لَقَدْ يَجْنِي مَنْ غَبَّهُ الثَّمَرُ الْحَلْوُ

(همان: ۱۷۴)

(ترجمه: اگرچه مزه صبر در ابتدای آن تلخ است، به یقین کسی که صبری می کند، میوه شیرینش را می چیند).

۳. گنج صبر اختیار لقمانست هر کرا صبر نیست حکمت نیست
«وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (همان: ۸۲) (ترجمه: بر آنچه به تو وارد می شود صبری کن؛ زیرا این از کارهای بسیار مهم است).

۴. کارها به صبر بر آید و مستعجل به سر در آید.

قَدْ يُدْرِكُ الْمُتَأَنِّي بَعْضَ خَاجِهِ وَقَدْ يَكُونُ مِنَ الْمُسْتَعْجِلِ الزَّلَلُ

(القطامي؛ همان: ۱۸۸)

(ترجمه: چه بسا تأمل کننده به هدف خود می رسد و لغزش و خطا نصیب عجل می شود).

۲-۱-۳. شرح دیوان ناصر خسرو (مهدی محقق)

محقق سه بیت از ناصر خسرو را متأثر از پنج عبارت عربی دانسته است:

۱. بررس به کارها به شکیبایی زیرا که نصرت است شکبیارا

(ناصر خسرو؛ محقق، ۱۳۴۰)

«لَا يَعْدِمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ الزَّمَانُ بِهِ» (نَجْمُ الْبَلَاغَةِ): (ترجمه: صبور از پیروزی محروم نمی شود، اگرچه زمانی طولانی بر او بگذرد).

«قَمَرَةُ الصَّبْرِ تُجْحِ الظَّفَرَ» (مَجْمَعُ الْأَمْثَالِ، همان: ۳۹) (ترجمه: میوه صبر پیروزی است).

۲. چو صبر تلخ باشد پند لیکن به صبرت پند چون صبرت شود قند

«أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ»: (تلخ تر از صبر)؛ «الصَّبْرُ كَأَسْمِهِ» (ترجمه: صبر مانند اسمش است). (همان، ۱۳۸۶: ۶۲)

۳. تخم ظفر نیست مگر صبر بر صبر چو زیتون و ظفر روغن است

«مَنْ تَبَعَ الصَّبْرَ تَبَعَ النَّصْرَ» (همان: ۵۶): (ترجمه: هر کس از صبر پیروی کند پیروزی از او پیروی می کند).

۲-۱-۴. شرح گلستان و بوستان (غلامحسین یوسفی)

یوسفی در شرح دو بیت از سعدی دو عبارت عربی آورده است:

۱. «منشین ترش...»؛ «الصَّبْرُ كَاسْمِهِ وَعَاقِبَتُهُ الْحُلُو» (ترجمه: صبر مانند اسمش (تلخ) است و عاقبتش شیرین است).
(انوشروان؛ یوسفی، ۱۳۸۱: ۲۸۳)

۲. همی گفت غلغل کنان از فرح و من دقّ باب الکَریم انفتح
«بِالصَّبْرِ يُتَوَقَّعُ الْفَرْحُ وَمَنْ يُدْمِنُ قَرَعَ الْبَابِ يَلُحُّ» (ترجمه: بر اثر صبر گشایش انتظار می‌رود و کسی که به کوبیدن در
ادامه دهد، سرانجام به خانه داخل می‌شود). (همان، ۱۳۶۸: ۳۰۶)

۲-۱-۵. شرح گلستان و بوستان (محمد خزائلی)

خزائلی (۱۳۶۸: ۲۷۲) در شرح بیت زیر از گلستان، یک بیت عربی آورده است.

منشین ترش از گردش ایام که صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد
الصَّبْرُ مِثْلُ اسْمِهِ فِي كُلِّ نَائِبَةٍ لَكِنْ عَوَاقِبُهُ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ
(ترجمه: صبر مانند اسمش در هر مصیبتی تلخ است؛ ولی پایانش شیرین‌تر از عسل است.)

۲-۱-۶. مضامین مشترک ادب فارسی و عربی (سید محمد دامادی)

دامادی پنج عبارت و بیت از سعدی را با هشت عبارت و بیت عربی به شرح زیر مقایسه کرده است:

۱. منشین رو ترش از گردش ایام که صبر... (سعدی)

الصَّبْرُ مِثْلُ اسْمِهِ فِي كُلِّ نَائِبَةٍ لَكِنْ عَوَاقِبُهُ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ
(۱۳۷۹: ۵۳)

۲. منشین ترش از گردش ایام که صبر... (سعدی)

لَئِنْ كَانَ بَدَأَ الصَّبْرُ مُرّاً مَذَاقُهُ لَقَدْ يُجْتَنَى مِنْ حَبِّهِ الثَّمَرُ الْحَلْوُ
(همان: ۲۴۴)

(ترجمه: اگر شکیبایی در آغاز مزه‌اش تلخ است، سرانجام میوه شیرین از آن چیده می‌شود.)

۳. صبر و ظفر هر دو دوستان قدیم‌اند بر اثر صبر نوبت ظفر آید
(حافظ)

ناصروران چو خاک و چون بادند ظفر و صبر هر دو همزادند
(سنایی)

إِصْبِرْ قَلِيلًا وَكُنْ بِاللَّهِ مُعْتَصِمًا وَلَا تُعَاجِلْ فَإِنَّ الْعَجَزَ بِالْعَجَلِ

(ترجمه: کمی صبر کن و بر خدا توکل کن، عجله نکن؛ زیرا عجله موجب ناتوانی است.)

«الصَّبْرُ عُنْوَانُ الظَّفَرِ وَالصَّبْرُ فِي الْمَحَنِ عُنْوَانُ الْفَرْحِ» (رسالة قشیریه؛ دامادی، ۱۳۷۹: ۵۶۸) (ترجمه: شکیبایی نشانه
پیروزی و صبر در امتحان‌ها نشانه شادی است.)

۴. در ذوق خرد، چون صبر به گیتی در تصفیۀ حادثه شهد و شگری نیست

(سعدی)

«هِيَ الصَّبْرُ لَكِنْ يَلْزِمُ الصَّبْرَ عِنْدَهَا وَأَثَارَهَا خُلُوٌّ وَتِلْكَ الْمَرَاتِبُ.» (دامادی، ۱۳۷۹: ۵۳۷) (ترجمه: این صبر است ولی

تلخی صبر با آن همراه است؛ و میوه‌های آن شیرین است و این مراحل است.)

۵. «کارها به صبر بر آید و مستعجل به سر در آید.» (سعدی)

قَدْ يُدْرِكُ الْمُتَأَنِّي بَعْضَ حَاجَتِهِ وَقَدْ يَكُونُ مَعَ الْمُسْتَعِجِلِ الزَّلَلُ

(همان: ۲۷۶)

(ترجمه: چه بسا آهسته کار به برخی از نیازهای خود برسد و از شتاب زده بیشتر خطا و لغزش دیده می‌شود.)

۶. بشکيب ازيرا که همی دست نیابد بر آرزوی خویش مگر مرد شکيبا

«مَنْ تَبِعَ الصَّبْرَ تَبِعَهُ النَّصْرُ.» (ترجمه: هر کس شکیبایی پیش گیرد، پیروزی او را یار می‌گردد.) (التمثيل والمحاضرة؛

همان: ۳۱۵)

۲-۱-۷. شرح مثنوی (فروزانفر، زرین کوب، شهیدی و استعلامی)

فروزانفر، شهیدی، زرین کوب و استعلامی، پنج بیت از مولانا را با موضوع صبر، برگرفته از چند عبارت عربی دانسته‌اند:

۱. گفت ای هدیه حق و دفع حرج معنی الصبر مفتاح الفرج

(مولوی، ۱۳۷۹: ۹)

«الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ.» (زرین کوب، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۴۳) (ترجمه: صبر کلید پیروزی است.)

۲. گفت لقمان صبر هم نیکو دمیست که پناه و دافع هر جا غمیست

(مولوی، ۱۳۷۹: ۴۲۲)

«الصَّبْرُ حِكْمٌ وَ قَلِيلٌ فَاعْلُهُ.» (استعلامی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۳۱۲) (ترجمه: در سکوت حکمت‌هاست ولی به کاربرنده آن اندک است.)

۳. مکر شیطانست تعجیل و شتاب لطف رحمانست صبر و احتساب

(مولوی، ۱۳۷۹: ۸۴۴)

«الَّتَائِي مِنَ الرَّحْمَنِ وَالْتَعْجِيلُ مِنَ الشَّيْطَانِ.» (استعلامی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۲۱۳) (ترجمه: آرامش و درنگ از خداوند

رحمان و شتاب، از شیطان است.)

۴. عاقبت جوینده یابنده بود که فرج از صبر زاینده بود

(مولوی، ۱۳۷۹: ۹۴۹)

«مَنْ طَلَبَ وَجَدَ» (ترجمه: کسی که بجوید می‌یابد). «مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَ»: (ترجمه: کسی که چیزی را بجوید آن را می‌یابد). «مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَهُ وَإِنْ لَمْ يَجِدْهُ يَوْشِكُ أَنْ يَقَعَ قَرِيباً مِنْهُ»: (ترجمه: کسی که چیزی را بجوید آن را می‌یابد و اگر نیافت، امید دستیابی به آن در او زیاد می‌شود). «مَنْ طَلَبَ الشَّيْءَ وَجَدَهُ وَجَدَ»: (ترجمه: کسی که چیزی را بجوید و تلاش کند آن را می‌یابد). (فروزانفر، ۱۳۸۵: ۷۰-۷۱)

۵. ماهمی گفتیم کم نال از حرج صبر کن کالصبر مفتاح الفرج
این کلید صبر را اکنون چه شد ای عجب منسوخ شد قانون چه شد
(مولوی، ۱۳۷۹: ۱۰۸۹)

«الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ: شکیبایی کلید گشایش است.» (شهیدی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۵۷۹)

۱-۲. شرح دیوان حافظ (خرمشاهی و دارابی)

خرمشاهی و دارابی برای سه بیت از دیوان حافظ، شواهد عربی بیان کرده‌اند. خرمشاهی (۱۳۹۶، ج ۱: ۶۷۳-۶۷۵) در ادامه بیت زیر درباره صبر توضیحات بسیاری داده؛ اما اشاره‌ای به این مضمون در ایران باستان نکرده و فرهنگ غنی ایرانیان از دید نافذ ایشان مخفی مانده است:

۱. شگر به صبر دهد عاقبت ولی بدعهدی زمانه امانم نمی‌دهد
از جمله شواهدی که بیان کرده است: «أُبْتَلِيْنَا بِالصَّرَاءِ فَصَبَرْنَا وَابْتُلِيْنَا بِالسَّرَاءِ فَلَمْ نَصْبِرْ». (ترجمه: دچار رنج و سختی شدیم و شکیبایی کردیم ولی چون با خوشی و ناز و نعمت روبه‌رو شدیم، شکیبایی نورزیدیم و خویشتن‌داری نکردیم).
«الصَّبْرُ أَنْ تَصْبِرَ بِالصَّرِّ». (حقیقت صبر آن است که در صبر هم صابر بود).
«وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ» (نحل: ۱۲۷) (ترجمه: صبر کن و صبوری تو جز به مدد خداوند نیست). (خرمشاهی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۶۷۴-۶۷۵)

دارابی نیز در ذیل دو بیت زیر از حافظ، به دو آیه قرآن اشاره کرده است:

۲. دلا در عاشقی ثابت قدم باش که در این ره نباشد کار بی‌اجر
«وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (هود: ۱۱۵) (دارابی، ۱۳۶۲: ۱۴۸) (ترجمه: و صبر کن که خدا هر گز اجر نیکوکاران را ضایع نگذارد).

۳. صبر کن حافظ به سختی روز و شب عاقبت روزی بیایی کام را
«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳) (دارابی، ۱۳۶۲: ۱۵۲) (ترجمه: بی‌شک خدا با شکیبایان است).

۲-۲. صبر در فرهنگ ایرانی و بازتاب آن در ادب عربی و فارسی

چنان‌که ملاحظه شد، در امثال و حکم که گزیده‌ای از متون ادب فارسی است و نیز در شرح شارحان ادب

فارسی به جز غلامحسین یوسفی که در یک مورد به انوشروان اشاره کرده، هیچ کدام شاهی از شواهد ایرانی را نیاورده‌اند؛ به گونه‌ای که تنها برداشت خواننده از متن و دیدگاه این پژوهشگران ارجمند این است که ادب پارسی وام‌دار ادب عربی است و ایرانیان پیشینه فرهنگی خاصی نداشته‌اند و با امور اخلاقی بیگانه بوده‌اند؛ این در حالی است که عاکوب (۱۹۸۹: ۱۱۲) پژوهشگر سوری می‌گوید: «یکی از مشخص‌ترین صفاتی که پندهای فارسی بر آن تأکید کرده است، تحمّل و بردباری است.»

براساس پژوهش حاضر، دست‌کم سی جمله حکیمانه با مضمون صبر و زیرمجموعه‌هایی همچون اهمّیت صبر، نتایج صبر، انواع صبر، توصیه به صبر، رابطه عقل و صبر و... از ایرانیان باستان در منابع عربی دیده می‌شود؛ همچنین در امثال «مولّد» (غیر عربی و نوخاسته) دو مثل با مضمون صبر دیده می‌شود که از مقایسه آن‌ها با حکمت‌های ایرانی به گمان قوی می‌توان گفت که ایرانی هستند؛ افزون بر این، اشعار و امثال عربی و فارسی بسیاری با مضمون صبر دیده می‌شود که حکمت‌های ایرانی را می‌توان سرچشمه و آبشخور آن‌ها دانست؛ زیرا از لحاظ تاریخی بر آن‌ها تقدّم دارند. در این بخش به نمونه‌هایی از مضمون صبر که در منابع عربی از ایرانیان باستان نقل شده، اشاره می‌کنیم.

۲-۱. اهمّیت صبر

۱. بزرگمهر برای نشان دادن نقش مهمّ صبر در زندگی و روابط انسانی می‌گوید: صبر را از الاغ آموختم: «أنوشروان لِبزرگمهر: مَنْ أَدَبَكَ؟ قَالَ: قَرِيحِي، نَظَرْتُ إِلَى مَا اسْتَحْسَنْتَ مِنْ غَيْرِي فَاسْتَعْمَلْتُهُ، وَمَا اسْتَقْبَحْتُهُ اجْتَنَبْتُهُ^(۳)، وَلَقَدْ تَفَقَّدْتُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَحَاسِنَهُ، فَأَخَذْتُ مِنَ الْخِزِيرِ قِنَاعَتَهُ، ... وَمِنَ الْحِمَارِ صَبْرَهُ ...» (قرطبي، بی‌تا، ج ۲: ۲۰۰؛ ابن قتیبه، بی‌تا، ج ۲: ۱۳۹) (ترجمه: انوشروان به بزرگمهر گفت: چه کسی تو را تربیت کرد؟ گفت: ذوق و استعدادم، هر چه را از دیگران پسندیدم، به کار بستم و هر چه را زشت یافتم، از آن دوری کردم، از هر چیز خوبی‌هایش را جستجو کردم، از خوک، قناعت، ... از الاغ، صبرش را...).

۲. در پندهای بزرگمهر صبر در کنار عقل، عفاف، امید، دین‌داری و خیرخواهی از اعمال نیک شمرده شده است: «قَالَ: وَمَا هَذِهِ الْأَعْمَالُ وَالْقُوَّةُ؟ قُلْتُ: الْعَقْلُ وَالْعَفَافُ وَالصَّبْرُ وَالرَّجَاءُ وَالِدَيْنُ وَالنَّصِيحَةُ^(۴)». (ابن مسکویه، ۱۴۱۶:

۳۱) (ترجمه: گفت این کارها و این قدرت چیست؟ گفتم: عقل و پاک‌دامنی و صبر و امید و دین و پند).

۳. بزرگمهر در اواخر عمر دست از دین‌پدران خود کشید و بنا به روایت بیهقی به دین عیسی (ع) گروید. انوشروان او را به زندان افکند و پس از دو سال در زندان را گشودند. همگان بر این گمان بودند که پس از گذراندن دوره سخت و تاریک زندان، با کمترین آب و غذا، لاغر و بیمار شده باشد و آثار آن در چهره و اندامش دیده می‌شود، ولی او را در سلامت کامل و حالی خوش یافتند. «یافتندش به تن قوی و گونه برجای.»

بزرگمهر در پاسخ به مردمی که حیرت‌زده از او پرسیدند: چکار کرده‌ای که سختی زندان بر تو اثر نگذاشت؟ گفت: «برای خود گوارشی ساختم از شش چیز، هر روز لختی از آن بخوردم تا بدین بمانده‌ام. گفتند: ای حکیم اگر بینی آن معجون ما را بیاموز تا اگر کسی از ما را و یاران ما را کاری افتد و چنین حال پیش آید آن را پیش داشته آید. گفت نخست ... سیوم پیراهن صبر پوشیدم که محنت را هیچ چیزی چون صبر نیست^(۵) و ...» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۶۷ و ۷۶۸)، منابع عربی عبارت بالا را به شکل زیر از بزرگمهر نقل کرده‌اند:

«... و أَمَّا الثَّالِثُ: فَالصَّبْرُ خَيْرٌ مَّا اسْتَعْمَلَهُ الْمُتَمَحِّنُ وَأَمَّا الرَّابِعُ: فَإِذَا لَمْ أَصْبِرْ فَمَاذَا أَصْنَعُ؟ وَلَا أَعِينُ عَلَى نَفْسِي بِالْجَزَعِ^(۶). وَ...»^(۷) (تنوخی، ۱۹۷۸، ج ۱: ۲۰؛ آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۳۱؛ ابن دجاجی، بی‌تا: ۷۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۳۶؛ عاملی، ۱۹۲۸، ج ۲: ۸۲) (ترجمه: ... اما سومی: صبر، بهترین چیزی است که شخص مورد امتحان، به کار می‌برد، چهارم: اگر صبر نکنم پس چکار کنم و بای‌قراری کردن نمی‌توانم به خودم کمکی کنم، ...)

۴. «كَانَ لَأَنُوشِرَوَانَ أَرْبَعُ خَوَاتِيمَ: فَخَاتِمٌ لِلْخِرَاجِ ... وَخَاتِمٌ لِلْمَعُونَةِ نَقْشُهُ الْأَنَاةُ^(۸)». (مسعودی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۹۴؛ توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۳۲۵؛ آبی، ۱۴۲۴، ج ۵: ۱۲۴) (ترجمه: انوشروان چهار انگشتر داشت؛ انگشتری برای مالیات ... انگشتری برای کمک با نقش صبر...)

۵. «بزرگمهر: خصلت‌های نیک: حیا، نیک‌خویی، حلم، عفو، تواضع، سخاوت، راستی، صبر، شکر، رحمت، علم، عقل و عدل. هر که کاربند این خصلت‌ها باشد، ترتیب همه کارها بداند داد و او را در داشتن زیردستان و در احوال مملکت به هیچ مشیری و مدبری حاجت نباشد^(۹)». (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۸۸-۱۸۹)

۶. «قَالَ إِبْرُويزُ لِأَبْنِهِ: «... وَ لَمْ تَجْعَلْ لِلدَّامَةِ سُلْطَانًا عَلَى الْحِلْمِ». (ابن قتیبیه، بی‌تا، ج ۱: ۴۴۹) (ترجمه: و برای پشیمانی، قدرتی را بر صبر قرار نده).

۷. «سُئِلَ كَسْرَى أَنُوشِرَوَانَ: «مَا قَدْرُ الْحِلْمِ؟» فَقَالَ: «وَكَيْفَ تَعْرِفُ قَدْرَ مَا لَمْ يَرَ كَمَالَهُ أَحَدٌ». (ابن عبدربه، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۰۴) (ترجمه: از کسری انوشروان سؤال شد: ارزش صبر چیست؟ گفت: چگونه ارزش چیزی را می‌فهمی که کسی کمالش را ندیده است؟)

۲-۲-۲. نتایج صبر

در دیدگاه ایرانیان صبر و شکیبایی به سبب نتایج خوب آن از صفات پسندیده است؛ برخی نتایج صبر از دیدگاه آنان عبارت است از: آرامش در زندگی، شادی، موفقیت و ایزاری برای مقاومت در برابر بلاها و مصیبت‌هایی که چاره‌ناپذیرند:

۲-۳-۱. صبور مثل کسی است که بلا ندیده

۱. «قَالَ كَسْرَى: «مَنْ صَبَرَ عَلَى النَّازِلَةِ، كَانَ كَمَنْ لَمْ تُنْزَلْ بِهِ^(۱۰)». (جاحظ، ۱۴۲۳: ۶۹؛ ثعالی، بی‌تا: ۶۴) (ترجمه:

کسری: هر کس در بلا صبر کند، مانند کسی است که بلایی بر وی نازل نشده است.)

۲-۲-۲. صبور شاد و راضی است

۲. قَالَ بُرْجُمَهُ: «انْتَظِرُ الْفَرْجَ بِالصَّبْرِ يُعْقَبُ الْاِغْتِيَابُ.» (تتوخی، ۱۹۷۸، ج ۱: ۱۶۲) (ترجمه: بزرگمهر: انتظار فرج با صبر، موجب شادی است.)

۳-۲-۲. صبور، اندوه کمتری دارد

۳. «سُئِلَ عَنْ قُبَادٍ: «مَا بَالُ الْعُلَمَاءِ أَكْثَرُ النَّاسِ فَرَحًا وَأَقْلَهُمْ حُزْنًا؟» قَالَ: «فَرَحُهُمْ لِمَا قَدَّمُوا لِأَخْرَجِهِمْ مِنَ الْحَيْرِ، وَقَلَّةُ حُزْنِهِمْ لِصَبْرِهِمْ وَرِضَاهُمْ بِمَا يُصِيبُهُمْ»^(۱۱)» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۴۲) (ترجمه: چرا دانشمندان شادترین مردم و کم غصه‌ترین آنان هستند؟ گفت: شادی آنان به واسطه کارهای نیکی است که برای آخرتشان فرستاده‌اند و غصه‌اندک آنان به واسطه صبر و رضایت آنان در مقابل رنج‌هایی است که به ایشان می‌رسد.)

۴-۲-۲. صبور کامیاب است

۴. «قَالَ أَنُوشِرَوَانُ: «مَا اسْتَنْجَحْتُ الْأُمُورَ بِمِثْلِ الصَّبْرِ، وَلَا اكْتَسَبْتُ الْبَغْضَاءَ بِمِثْلِ الْكِبَرِ.»» (نویری، ۱۴۲۳، ج ۶: ۱۲۸) (ترجمه: انوشروان گفت: با هیچ چیز مانند صبر، طلب پیروزی بر کارها نکردم و با هیچ چیز مانند غرور، خشم و کینه را نصیب خود نکردم.)

۵. «مِنْ حِكْمِ الْفَرَسِ: «... وَلَا تَشْكُنْ فِي أَنَّ الْقُوَّةَ وَالْغَلَبَةَ لِلْحَلِيمِ»^(۱۲)» (ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۷۶) (ترجمه: ... شک نکن که توانایی و غلبه با صبور است.)

۵-۲-۲. صبور بهره‌مند است

۶. «كَتَبَ كَسْرِي إِلَى بُرْجُمَهُ وَهُوَ فِي الْحَبْسِ: «كَانَ مِنْ ثَمَرَةِ عِلْمِكَ وَعَقْلِكَ أَنْ صِرْتَ أَهْلًا لِلْقَتْلِ» فَأَجَابَهُ: «أَمَّا إِنْ كَانَ مَعِيَ الْجَدُّ كُنْتُ أَنْتَفِعُ بِثَمَرَةِ عَقْلِي فَالْآنَ إِذْ لَا جَدَّ مَعِيَ أَنْتَفِعُ بِثَمَرَةِ الصَّبْرِ.»» (ابن قتیبه، بی‌تا، ج ۲: ۱۴۲؛ قرطبی، بی‌تا: ۳۸) (ترجمه: زمانی که بزرگمهر در زندان بود، کسری برای وی نوشت: ثمره علم و عقل تو این بود که سزاوار مرگ شدی! بزرگمهر در جوابش نوشت: اگر بخت و اقبال با من باشد از ثمره عقلم بهره‌مند می‌شوم و اکنون که بخت با من نیست، از ثمره صبر، بهره می‌برم.)

۶-۲-۲. صبور به هدف خود می‌رسد

۷. «شاپور: الصَّبْرُ دَرَكٌ»^(۱۳)» (توحیدی، بی‌تا، ج ۱/۲: ۶۹): (ترجمه: صبر موجب رسیدن است.)

۳-۲-۲. تشبیهات مربوط به صبر

ایرانیان باستان برای ترسیم افکار و اندیشه‌های خود از تشبیه و استعاره غافل نبوده‌اند، به همین سبب صبر را به گیاهی تلخ و عاقبت آن را به عسل تشبیه کرده‌اند، آن را چون قلعه‌ای محافظ زندگی و روابط اجتماعی دانسته، همچنین صبر را به کلیدی برای رسیدن به موفقیت و بهار قلب تشبیه کرده‌اند و در یک مورد هم در

قالب استعاره مکنیه آن را به شمشیری تشبیه کرده‌اند که چنگال گرفتاری‌ها را درهم می‌شکند:

۱-۳-۲-۲. تشبیه صبر به گیاه صبر

۱. «الصَّبْرُ كَأَمِّهِ وَعَاقِبَتُهُ الْعَسَلُ»^(۱۴) (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۵۲۵، منسوب به انوشروان) (ترجمه: صبر مانند اسمش (تلخ) است ولی عاقبتش چون عسل است).

۲-۳-۲-۲. تشبیه صبر به حصار

۲. «قَالَ بُزْرَجُمُهرُ: «الثَّانِي حَصْنٌ مَنِيعٌ إِلَيْهِ يَتَوَافَى الرَّأْيُ وَبِهِ يَسْتَمَاحُ التَّجَبُّحُ، وَيَتَوَقَّعُ الظَّفَرُ بِكُلِّ مَطْلُوبٍ»» (زجاجی، ۱۴۰۷: ۲۲) (ترجمه: بزرگمهر: صبر، قلعه‌ای بلند است که اندیشه با آن بالا می‌رود و فرد موفق به واسطه آن، به موفقیت می‌رسد و از آن، انتظار موفقیت در خواسته‌هایش را دارد).

۳-۳-۲-۲. تشبیه صبر به بهار قلب

۳. از حکمت‌های ایرانیان: «الصَّبْرُ رَيْعُ الْقَلْبِ» (توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۸: ۲۰۱) (ترجمه: صبر، بهار قلب است).

۴-۳-۲-۲. تشبیه به طلایه‌دار

۴. رُسْتَم: «حُسْنُ الصَّبْرِ طَلِيعَةُ الظَّفَرِ» (ثعالی، بی‌تا: ۵۳؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۲۲) (ترجمه: صبر نیکو، طلایه (ابتدای) پیروزی است).

۵-۳-۲-۲. تشبیه به کلید

۵. ایرانیان گفته‌اند: «مِفْتَاحُ غَرِيمَةِ الصَّبْرِ تَعَالَجُ مَغَالِقُ الْأُمُورِ»^(۱۵) (توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۱۵۳؛ زنجشیری، ۱۴۱۲، ج ۳: ۹۴) (ترجمه: با کلید صبر، گرفتاری‌های بزرگ، حل می‌شود).

۶. «كَانَ مَكْتُوبًا فِي قَصْرِ أَرْدَشِيرَ: «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ النَّرْكِ»» (ماوردی، ۱۹۸۶: ۲۹۰؛ طرطوشی، ۱۸۷۲: ۹۸) (ترجمه: بر قصر آردشیر نوشته شده بود: صبر، کلید رسیدن است).

۶-۳-۲-۲. تشبیه به حجاب بدی‌ها

۷. «الْحِلْمُ حِجَابُ الْأَفَاتِ» (ثعالی، بی‌تا: ۴۰، منسوب به خسرو): (بردباری، مانع آفت‌هاست).

۷-۳-۲-۲. تشبیه به تیغ و شمشیر

۸. از حکمت‌های ایرانیان: «الصَّبْرُ يُقْلِمُ أَظْفَارَ الْخُطُوبِ»^(۱۶) (توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۸: ۲۰۱) (ترجمه: صبر، ناخن‌های (چنگال‌های) گرفتاری‌ها را می‌گیرد).

۸-۳-۲-۲. تشبیه به دوست

۹. «الصَّبْرُ صَدِيقُ الظَّفَرِ»^(۱۷) (طرطوشی، ۱۸۷۲: ۱۹۰): (ترجمه: صبر دوست پیروزی است).

۴-۲-۲. رابطه عقل و صبر

نقش عقل در شکیبایی و متانت در حکمت‌های ایرانی بسیار پررنگ است، به این معنی که عاقلان به سبب

خرد و عقلانیت از نعمت صبر برخوردارند:

۱. «قَالَ أَرَدَشِيرُ لَمَّا كَمَلَ مُلْكُهُ وَأَبَادَ أَعْدَاءَهُ: «إِنَّهُ لَمْ يَحْكَمْ حَاكِمٌ عَلَى الْعُقُولِ كَالصَّبْرِ، وَلَمْ يُحْكَمْهَا مُحْكِمٌ كَالْتَجَرِبَةِ»^(۱۸)». (طرطوشی، ۱۸۷۲: ۶۲) (ترجمه: زمانی که حکومت اردشیر کامل شد و دشمنانش را نابود کرد، گفت: چیزی مانند صبر، بر عقل‌ها حکومت نمی‌کند و چیزی مانند تجربه، عقل‌ها را محکم، نمی‌سازد).
۲. «قِيلَ: مَا تُوفِّرُ الْعَقْلَ؟ قَالَ: (انوشروان) أَنْ تَطْرَحَ عَنْكَ وَارِدَاتِ الْهُمُومِ بِعَزَائِمِ الصَّبْرِ». (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۵۲): (ترجمه: گفته شد: کمال عقل چیست؟ انوشروان گفت: این است که غم و اندوهی را که بر آدمی وارد می‌شود، با صبر فراوان از خود دور کنی).
۳. «سُئِلَ أَنْوَشِرَوَانُ: «مَا ثَمَرَةُ الْعَقْلِ؟» قَالَ: «ثَمَارُهُ الشَّرِيفَةُ الْكَرِيمَةُ كَثِيرَةٌ... وَمِنْهَا أَلَّا يَعْمَلَ عَمَلًا إِلَّا بَعْدَ التَّنَبُّهِ وَالرَّفْقِ وَالْأَنَاقَةِ». (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۵۵) (ترجمه: از انوشروان سؤال شد: ثمره عقل چیست؟ گفت: ثمره‌های شریفش زیاد است ... اینکه کاری را جز با پایداری و پیگیری و صبوری انجام ندهد).

۲-۵. انواع صبر

تیزبینی و باریک‌بینی ایرانیان، انواع صبر را از یکدیگر جدا کرده است، گاه لازم است که آدمی برای انجام کاری که سخت است و عقلانی صبوری نشان دهد و گاه برای خودداری از اموری که عقلانی نیست؛ ولی نفس آدمی مشتاق آن است، باید شکبیا باشد؛ همچنین صبر در دو حوزه جسمانی و روحی - روانی را تشخیص داده‌اند.

۱. «سُئِلَ أَنْوَشِرَوَانُ: «مَا الصَّبْرُ الْمُحْمُودُ؟» قَالَ: الثَّبَاتُ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ كَرِيمٍ وَزَمُّ الْهَوَى عَنْ كُلِّ أَمْرٍ لَئِيمٍ». (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۵۱) (ترجمه: از انوشروان پرسیده شد: صبر جمیل چیست؟ گفت: ثبات قدم در هر کار بزرگی و مهار هوا و هوس از انجام هر کار زشتی).
۲. «قَالَ أَنْوَشِرَوَانُ: «الصَّبْرُ مِنَ الشُّكْرِ وَالشُّكْرُ مِنَ الْفَضِيلَةِ. وَهُوَ نَوْعَانِ: صَبْرٌ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى^(۱۹)، وَصَبْرٌ عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ تَعَالَى^(۲۰). فَالصَّبْرُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ أَدَاءُ الْفَرَائِضِ، وَالصَّبْرُ عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ». (همان: ۵۱) (ترجمه: انوشروان: صبر، از شکر و شکر از فضیلت است و آن دو نوع است: صبر بر اطاعت خداوند و صبر از انجام معصیت او. صبر بر اطاعت خداوند، عمل به تکلیف بوده و صبر از انجام معصیت او، پرهیز از محرّمات است).
۳. «أَنْوَشِرَوَانُ: وَاعْلَمْ أَنَّ الصَّبْرَ صَبْرَانِ: صَبْرُ الْمَرْءِ عَلَى مَا يَكْرَهُ وَصَبْرُهُ عَمَّا يُحِبُّ^(۲۱)». (همان: ۵۱) (ترجمه: بدان که صبر دو نوع است، صبر آدمی بر آنچه دوست ندارد و آنچه دوست دارد).
۴. «أَرَدَشِيرُ: وَاعْلَمُوا أَنَّ الْكِرَامَ أَصْبَرُ نَفُوسًا، وَاللِّئَامَ أَصْبَرُ أَجْسَامًا^(۲۲)» (قرطبی، بی‌تا، ج ۱/۲: ۶۲۹؛ زنجشیری، ۱۴۱۲، ج ۳: ۲۲۱؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۱: ۴۳۹) (ترجمه: بدانید که جوانمردان از لحاظ روح و فرومایگان از لحاظ بدنی صبورترند).

راغب اصفهانی بیت زیر از ابوتمام را مأخوذ از کلام اردشیر می‌داند:

وَالصَّابِرُ بِالْأَرْوَاحِ يَعْرِفُ فَضْلَهُ صَبِرُ الْمُلُوكِ وَلَيْسَ بِالْأَجْسَامِ

(۱۴۲۰، ج ۲: ۱۵۴)

(ترجمه: صبر شاهانه صبر روحی است که ارزش آن شناخته شده، صبر واقعی جسمانی نیست.)

۲-۲-۶. صبر چاره دردهای بی درمان

برخی مصیبت‌های زندگی همچون ازدست‌دادن عزیزان و بلاهای ناگهانی، چاره‌ای جز صبوری ندارد، در پندهای ایرانی توصیه شده که در این موارد بی‌تابی فایده‌ای ندارد و تنها چاره صبر و شکیبایی است:

۱. «يُحْكِي عَنْ أَنْوَشِرَوَانَ، أَنَّهُ قَالَ: «جَمِيعُ الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا، تُنْقَسِمُ عَلَى صَرْبَيْنِ، فَصَرْبٌ فِيهِ حِيلَةٌ، فَلَا صُطْرَابَ دَوَاؤُهُ، وَصَرْبٌ لَا حِيلَةَ فِيهِ، فَلَا صُطْبَارَ شَفَاؤُهُ» (۲۳)». (تنوخی، ۱۹۷۸، ج ۱: ۱۹؛ آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۳۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۵۲۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۹۸۸، ج ۱: ۲۹۹) (ترجمه: از انوشروان حکایت شده: همه سختی‌های دنیا به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که چاره دارند که در این صورت، تکاپو و جنبش، درمان آن است و دسته‌ای که چاره ندارند که صبر، شفای آن است. (۲۴))

۲-۲-۷. سختی صبر

۱. «قَالَ بُزْرَجْمَهُرُ: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ لَوْلَا أَنَّ النَّفَقَةَ عَلَيْهِ مِنَ الْعُمُرِ» (۲۵)». (آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۲۹) (ترجمه: بزرگمهر: صبر چه زیباست! اگر نفقه آن، عمر نباشد. (۲۶))

۲-۲-۸. ترجیح صبر بر عجله

۱. «قَالَ أَذْرَبَادُ: «التَّائِي فِيمَا يُخَافُ عَلَيْهِ الْفَوْتُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَجَلَةِ إِلَى إِذْرَاكِ الْأَمَلِ»». (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۶۷) (ترجمه: صبر بر چیزی که ترس از دست‌رفتن آن می‌رود، بهتر از عجله برای رسیدن به آرزوست)

۲. «انوشروان: «فَثَمَرَةُ الْعَجَلَةِ التَّدَامَةُ» (۲۷)». (همان، ۵۴) (ترجمه: نتیجه شتاب، پشیمانی است.)

۲-۲-۹. صبر برای شاهان و حاکمان

۱. کسری یکی از ویژگی‌های مهم حاکم لایق را صبر در هنگام خشم می‌داند: «وَقِيلَ لِكَسْرِي: أَيُّ الْمُلُوكِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: ... وَإِذَا أَغْضَبَ كَانَ حَلِيمًا» (۲۸)». (قیروانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۱۱) (ترجمه: به کسری گفته شده کدام پادشاه برتر است؟ گفت: ... آنکه در هنگام خشم صبور باشد.)

۲. «قَالَ بُزْرَجْمَهُرُ: «لَا يَصْلُحُ لِقِيَادَةِ الْجُيُوشِ وَسَدِّ الثُّغُورِ وَتَدْوِيرِ الْمَمْلَكَةِ إِلَّا رَجُلٌ تَكَامَلَتْ فِيهِ خِلَالُ أَرْبَعٍ ... وَحَلِمٌ يَحْجُبُهُ عَنِ التَّهَوُّرِ فِي الْمَشْكَالَاتِ إِلَّا مَعَ إِمْكَانٍ فُرِصَتِهَا ...» (خوارزمی، ۱۴۲۸: ۴۲۶) (ترجمه: بزرگمهر: فردی صلاحیت فرماندهی لشکریان، نگهبانی از مرزها و اداره کشور دارد که چهار خصوصیت داشته باشد... و دیگری صبر و حلمی است که او را از بی‌پروایی در مشکلات باز می‌دارد مگر اینکه فرصت مناسبی برایش فراهم آید...)

۲-۲-۱۰. صبر در هنگام خشم

۱. «سُئِلَ أَنْوَشِرَوَانُ: «مَا الَّذِي يَرُدُّ اشْتِعَالَ الْغَضَبِ؟» قَالَ: «ذِكْرُ الْغَضَبِ مِنَ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ عَصِيَانِ الْمَرْئُوبِ وَتَعَاطِيهِ

الْفَوَاحِشَ، وَحَلِمْتُهُ عَنْهُ.» (ابن مسکویه، ۱۴۱۶: ۵۷) (ترجمه: از انوشروان سؤال شد: چه چیزی مانع شعله‌ور شدن آتش خشم می‌شود؟ گفت: یاد خشم خدا از سرپیچی بنده و انجام کارهای بد و صبر خدا نسبت به او).

۲. «سئل أنوشروان: «أَيُّ مَنَاقِبِ الْمَرْءِ زَيْنٌ لَهُ؟» قَالَ: «الْحِلْمُ عِنْدَ الْعَصَبِ، وَ...» (همان: ۶۰) (ترجمه: از انوشروان پرسیده شد: کدام یک از خصلت‌های ستوده، زینتی برای انسان است. گفت: صبر به هنگام عصبانیت).

۳. نتیجه‌گیری

سرچشمه بسیاری از مضامین حکمی در ادب فارسی و عربی در فرهنگ و ادب ایرانیان پیش از اسلام است که با ترجمه متون پهلوی به زبان عربی و نیز فرهنگ شفاهی در منابع عربی دیده می‌شود. شوربختانه این حکمت‌های جاودان از دید نافذ شارحان متون ادب فارسی و عربی به‌دور مانده برای هر مضمون حکمی، شاهدی از امثال و اشعار عربی نقل کرده‌اند به گونه‌ای که گمان عمومی بر این است که ادب فارسی در مضامین حکیمانه و امداد ادب عربی است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بسیاری از مفاهیم حکمی در زبان عربی و فارسی پیشینه‌ای ایرانی داشته که به سبب تقدّم تاریخی و ضبط در منابع عربی از اصالت بیشتری برخوردار هستند و لازم است مورد توجه قرار گرفته تا گوشه‌ای از فرهنگ و تمدن بزرگ ولی ناشناخته این سرزمین به جهانیان معرفی شود.

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) پررمز و راز از این لحاظ که پس از پیروزی اعراب بر ایرانیان، حفره‌ای تاریخی - فرهنگی در ایران نسبت به دوران پیش از اسلام به وجود آمد که به سبب از بین رفتن منابع قدیمی و یک خاموشی فرهنگی به مدت دو تا سه قرن، گذشته این مرز و بوم در غبار سنگینی از ابهام فرو رفت.

(۲) اهمیت این عبارات عربی از این لحاظ است که دهخدا آن‌ها را در متون ادب فارسی دیده و جمع‌آوری کرده است.

(۳) این عبارت یادآور ادب آموختن لقمان از بی‌ادبان در گلستان سعدی است.

(۴) هنگامی که حکیمان دربار انوشروان از بزرگمهر درباره فضایل اخلاقی و شایستگی می‌پرسند، همین صفت را برمی‌شمارد:

دگر گفت: کرما چه نیکوترست ز گیتی کرا نیکویی درخور است؟
چنین داد پاسخ که آهستگی کریمی و خوبی و شایستگی

(فردوسی، ۱۳۹۳: ۱۸۵/۷)

(۵) با شاهد هفتم دهخدا مقایسه کنید: «مَنْ لَمْ يُنْجِهِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْجُرْعُ.» (فصح‌البلاغه، حکمت ۱۵۸) (ترجمه: هر کس صبر او را نجات ندهد، بی‌تابی او را از پا درمی‌آورد).

(۶) این جملات را با جمله سوم دهخدا مقایسه کنید.

(۷) این سخن بزرگمهر را با مضمون آیه قرآن کریم و عبارت ذیل از نهج‌البلاغه مقایسه کنید: «وَلْيَبْلُوكُمْ بَشْيٌ مِّنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵) (ترجمه: بی‌تردید شما را با ترس، گرسنگی، ضرر مالی و جانی امتحان

می‌کنیم و صبرپیشگان را بشارت بده. «وَإِنْ اِثْبَلْتُمْ فَاصْبِرُوا، فَإِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّعِينَ.» (صحیح‌البلاغه، خطبه ۹۸) (ترجمه: اگر مورد آزمایش قرار گرفتید، صبور باشید که عاقبت (نیک) از آن متعین است).

(۸) بعید نیست که جامی اشاره‌ای به انگشتر انوشروان داشته است:

خاتم صبر که عالی گهر است نقش آن من صبر قد ظفر است

(جامی، ۱۳۷۸: ۶۱۲/۱)

(۹) «الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى الصَّبْرِ، وَالْيَقِينِ، وَالْعَمَلِ، وَالْجِهَادِ.» (صحیح‌البلاغه، حکمت ۳۰) (ترجمه: ایمان چهار ستون دارد: صبر، یقین، عدالت و جهاد).

(۱۰) «من صبر على التَّكْبَةِ كَأَنَّهُ لَمْ يَنْكَب.» (آمدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۵۶) (ترجمه: هر کس بر مصیبت صبر کند، گویی دچار مصیبت نشده است).

(۱۱)

سَاصْبِرُ حَتَّى تَنْجِلَنِي كُلَّ غُمَّةٍ وَتَأْتِيَنِي بِمَا تَهْوَاهُ نَفْسِي الْمَقَادِرُ

(طغرائی، ۱۳۰۰: ۱۳۶)

(ترجمه: صبر خواهم کرد تا هر اندوهی به پایان برسد و تقدیر آنچه را که نفسم دوست دارد برای من بیاورد).

(۱۲) با شاهد ۱۲ و ۱۴ دهخدا مقایسه کنید: «صبوری تو را کامکاری دهد» و «صبوری مایه فیروزی آمد» (دهخدا، ۱۳۵۲:

۱۰۵۲/۲) و «یوسف به صبر خویش پیمبر شد» (همان، ج ۴: ۲۰۶۳)

«بِالصَّبْرِ عَلَى مَوَاقِعِ الْمَكْرُوهِ تُدْرِكُ الْحُظُوظُ.» (ابن‌منقذ، ۱۹۸۷: ۲۹۴) (ترجمه: با صبر کردن بر امور ناخوشایند، آرزوها و بهره‌ها به دست می‌آید).

(۱۳) با شاهد ۱۱ دهخدا مقایسه کنید:

اصبر علي ريب الزمان فانه بالصبر تدرك كل ما تتطلب

(ابوفراس، ۱۴۲۳: ۵۱)

(در سختی‌های روزگار صبور باش زیرا با صبر است که به خواسته‌های خود می‌رسی).

«مَنْ تَأْتَى أَذْرَكَ مَا تَمَنَّى.» (میدانی، ۱۹۵۵، ج ۲: ۳۲۸) (ترجمه: کسی که صبر داشته باشد به آنچه می‌خواهد می‌رسد).

أَخْلِقْ بِذِي الصَّبْرِ أَنْ يَحْطَى بِحَاجَتِهِ وَمُذَمِّنِ الْقَرْعِ لِلْأَبْوَابِ أَنْ يَلْجَا

(ترجمه: چه شایسته است که انسانی در پناه صبر، حاجتش برآورده شود. بسیاری کسانانی که مصرانه درهایی را کوفته‌اند و سرانجام وارد شده‌اند.) (فروزانفر، ۱۳۸۵: ۱۲۱)

(۱۴) رابطه شیرینی و صبر در ابیات زیر به روشنی دیده می‌شود:

شکر به صبر دست دهد عاقبت ولی بدعهدی زمانه زمانم نمی‌دهد

(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۱۰)

من بعد حکایت نکنم تلخی هجران آن میوه که از صبر برآمد شگری بود

(سعدی، ۱۳۸۵: ۶۸۰)

صبر تلخ آمد ولیکن عاقبت میوه شیرین دهد پرمفعت

(مولوی، نقل از دهخدا: ۱۳۵۲: ۷۸/۱)

(۱۵) با شاهد ۵ دهخدا مقایسه کنید: «مفتاح الظفر لزوم الصبر (آمدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۵۱۳) (ترجمه: کلید پیروزی صبر است).

الصَّبْرُ مُفْتَاخُ مَا يُرْجَى وَكُلُّ خَيْرٍ بِهِ يَكُونُ

(رخجی، ۱۳۰۱: ۱۲۶)

(ترجمه: صبر، کلید هر چیزی است که آرزو می‌شود و هر خیری به وسیله آن ممکن می‌شود).

در منابع ادب عربی، امثالی به نام «موگد» وجود دارد که براساس تعریف آن‌ها، عربی نیستند و در اثر اختلاط فرهنگی عرب‌ها با دیگر ملل جهان به ادب عربی نفوذ کرده‌اند. میدانی مثل ذیل را در زمره امثال موگد دانسته است: «الصَّبْرُ مُفْتَاخُ الْفَرْجِ» (میدانی، بی‌تا، ج ۱: ۴۵۱) (ترجمه: صبر کلید فرج است). تأمل در این مثل نشان می‌دهد که ایرانی است.

(۱۶) ایجاز و تخیل این سخن حکیمانه شگفت‌آور است، صفت بریدن برای صبر و چنگال برای بلایا دو استعاره مکینه زیبا در یک عبارت عربی است که فقط از چهار واژه تشکیل شده است.

(۱۷) سنایی و حافظ در دو بیت:

ناصروران چو خاک و چون بادند ظفر و صبر هر دو همزادند

(سنایی، ۱۳۸۳: ۵۷۷)

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید

(دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۱: ۱۷)

بیت بالا در دیوان حافظ شرح خطیب رهبر یافت نشد؛ بنابراین از امثال و حکم دهخدا نقل شده است.

تعبیر دوستی صبر و ظفر را به کار برده‌اند. این تعبیر جز در سخن منسوب به انوشروان در هیچ‌یک از امثال و اشعار عربی دیده نمی‌شود. حافظ و سنایی یا به‌طور مستقیم از این سخن انوشروان متأثر شده‌اند یا این مضمون به‌طور شفاهی و سینه‌به‌سینه از حافظه جمعی ایرانیان به ذهن و زبان آن دو نفوذ کرده است.

(۱۸) با شاهد ۶ دهخدا مقایسه کنید: میدانی (بی‌تا، ج ۱: ۳۰۰): مثل «دَعَامَةُ الْعَقْلِ الْحَلِيمِ» (ترجمه: پایه عقل صبر است). را غیر عربی؛ یعنی موگد دانسته است. عنصرالمعالی (۱۳۶۴: ۱۲۰) گفته است: «صبری دوم عاقلی است.» «سِتة تَحْتَبِرُ بِهَا عَقُولُ النَّاسِ الْحَلِيمِ عِنْدَ الْغَضَبِ...» (آمدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۵۱۱) (ترجمه: شش چیز است که عقل آدم‌ها با آن سنجیده می‌شود: صبر در هنگام خشم...)

که دانا به هر کار سازد درنگ سر اندر نیارد به پیکار و ننگ

ستون خرد بردباری بود چو تندی کند تن به خواری بود

(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۷: ۵۲)

هم به طبع آور به مردی خویش را پیشوا کن عقل صبراندیش را

(مولوی، ۱۳۷۹: ۱۰۹۲)

(۱۹) «فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا» (مريم: ۶۵) (ترجمه: او را عبادت کن و در راه عبادتش شکیبا با، آیا ماندنی برای او

می‌شناسی؟)

(۲۰) «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (يوسف: ۹۰) (ترجمه: هر کس تقوا پیشه کند و شکیبایی ورزد، پس خداوند

پاداش نیکوکاران را نادیده نمی‌گیرد.)

این آیه در تفاسیر به صبر در برابر گناه تفسیر شده است.

(۲۱) این عبارت در نهج البلاغه (حکمت ۵۲) و الادب الصغیر و الکبیر (ابن مقفع، ۱۴۰۷: ۱۱۰) نیز دیده می‌شود.

(۲۲) این عبارت در الادب الصغیر و الکبیر نیز دیده می‌شود. (همان: ۱۰۹) عباس (۱۹۷۷: ۱۶۳) این عبارت را از کتاب مختار الحكم از ارسطاطاليس نقل کرده، سپس همین جمله را از کتاب البصائر والدخائر توحیدی به نقل از فیلسوفی آورده و نتیجه گرفته است؛ برخی پندهای ایرانی با حکمت‌های یونانی مشترک هستند، نکته قابل تأمل این است که احسان عباس با همه اشرافی که به منابع عربی دارد، از کتاب‌های بجهة المجالس، تذکرة الحمدونية و ربیع الأبرار که پند بالا را از اردشیر نقل کرده‌اند، سخنی به میان نیاورده است.

(۲۳) با شاهد ۷ دهخدا مقایسه کنید: در الادب الصغیر آمده است: «أحق ما صبر عليه ما ليس إلى تغيير سبيل.» (ابن مقفع، ۱۴۱۶: ۲۲۲) (ترجمه: سزاوارترین چیزی که باید بر آن صبر پیشه کرد، آن است که راهی برای تغییر آن وجود ندارد.) نیز در (ابن مقفع، ۱۴۰۷: ۵۷)

(۵۷)

(۲۴)

ای دل اندر بند زلفش از پریشانی منال مرغ زیرک چون به دام افتد تحمل بایدش

(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۷۳)

(۲۵)

الصبر مر و العمر فان يا ليت شعري حتام القاه

(همان: ۵۶۸)

(ترجمه: صبر تلخ و عمر فانی است، ای کاش می‌دانستم که چه زمانی او را دیدار می‌کنم.)

(۲۶)

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر آری شود ولیک به خون جگر شود

(همان: ۳۰۷)

(۲۷) در پندهای مکتوب بر تاج انوشروان آمده است: «شتاب زدگی نکنید.» (مستوفی، ۱۳۸۷: ۱۱۸)

(۲۸) ﴿وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظُ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۴) (ترجمه: کسانی که خشم را فرومی‌خورند و نسبت

به مردم گذشت دارند، خداوند نیکوکاران را دوست دارد.)

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

آمدی، ابوالفتح عبدالواحد التمیمی (۱۳۷۱). غرر الحكم و درر الكلم. تحقیق: علی رضا برازش. تهران: امیرکبیر.

ابن ابی الحدید، أبو حامد عز الدین (۱۹۸۸). شرح نهج البلاغه. المحقق: محمد أبو الفضل ابراهیم. دار احیاء الكتب العربية عیسی

البابی الحلبي وشرکاه.

- ابن الجوزی، ابو الفرج عبد الرحمان بن علی بن محمد (۱۴۱۲). المنتظم فی تاریخ الملوك و الامم. دراسة و تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفى عبد القادر عطا. راجعه و صححه نعيم زرزور. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن حمدون، محمد بن الحسن بن محمد بن علي (۱۴۱۷). التذكرة الحمدونية. بيروت: دار صادر.
- ابن دجاجي، سعد الله بن نصر بن سعيد الحنبلي (بی تا). سبط الملح وزوج الترح. تحقیق: خالد احمد الملا السويدي. بيروت: دار كنان.
- ابن قتیبة الدینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم (بی تا). عیون الاخبار. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن مسكويه، ابوعلى احمد بن محمد (۱۴۱۶). الحکمة الخالدة. تحقیق عبدالرحمن بدوی. القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- ابن مقفع، عبد الله (۱۴۰۷). الأدب الصغير والأدب الكبير. بيروت: دار بيروت للطباعة والنشر.
- ابن مقفع، عبد الله (۱۴۱۶). کلیلة و الدمنة. دققی فیها و علق علیها و نسقها الشيخ الیاس خلیل زخریا. دار الأندلس للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابو فراس، الحمدانی (۱۴۲۳). الديوان. اعتنى به و شرحه عبد الرحمن المصطاوی. بيروت: دار المعرفة.
- الآبی، منصور بن الحسین الرازی، أبو سعد (۱۴۲۴). نثر الّدر فی المحاضرات. المحقق: خالد عبد الغني محفوظ. بيروت: دار الكتب العلمية.
- استعلامی، محمد (۱۳۷۹). مقدمه، تصحیح و تعلیقات مشنوی معنوی. جلد ۵. تهران: مهارت.
- استعلامی، محمد (۱۳۸۴). مقدمه، تصحیح و تعلیقات مشنوی معنوی. جلد ۳. تهران: مهارت.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۸). تاریخ بیهقی. مقدمه، تصحیح، تعلیقات، توضیحات و فهرست ها: محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی. تهران: سخن.
- التنوخی، أبوعلي (۱۹۷۸). الفرج بعد الشاة. تحقیق: عبود الشالجي. بيروت: دار صادر.
- التوحيدي، أبوحیان، علي بن محمد بن العباس (بی تا). الصداقة و الصديق. شرح و تعلیق علی متولی صلاح. المطبعة النموذجية
- التوحيدي، أبوحیان، علي بن محمد بن العباس (۱۴۰۸). البصائر والدخائر. المحقق: ودّاد القاضي. بيروت: دار صادر.
- الثعالبي، ابومنصور عبد الملك (بی تا). الاعجاز والایجاز. بغداد: مكتبة دار البيان.
- الجاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر (۱۴۲۳). البيان والتبيين. بيروت: دار ومكتبة الهلال.
- جامی، عبدالرحمان بن احمد (۱۳۷۸) مشنوی هفت اورنگ. با مقدمه اعلاخان افصح زاده، محقق و مصحح جابلقا دادعلیشاه، تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
- حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۶۸). دیوان. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی علیشاه.
- خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۹۶). حافظ نامه شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ. بخش اول، جلد ۱، چاپ بیست و دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- خزائلی، محمد (۱۳۶۸). شرح گلستان. چاپ هفتم. تهران: جاویدان.
- الدارابی، محمد بن محمد (۱۳۶۲). لطیفه غیبی حاوی توضیح اشعار مشکله حضرت خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی. به ضمیمه بیان اصطلاحات اهل عرفان و مطابقت ابیات با آیات بینات قرآن مجید. شیراز: کتابخانه احمدی.

- دامادی، سید محمد (۱۳۷۹). مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۲). امثال و حکم. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
- الراغب الأصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد (۱۴۲۰). محاضرات الأدباء ومحاورات الشعراء والبلغاء. بیروت: شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم.
- الزجاجی، عبدالرحمن بن اسحاق البغدادی (۱۴۰۷). الأمالی. بیروت: دار الجیل.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۸). سرنی. جلد ۱، تهران: علمی.
- زنجشیری، أبو القاسم محمود بن عمر (۱۴۱۲). ربیع الابرار و نصوص الاخیار. بیروت: مؤسسة العلمية.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵). کلیات سعدی. به تصحیح محمدعلی فروغی. چاپ اول. تهران: هرمس.
- سنایی غزنوی (۱۳۸۳). حقیقة الحقیقة و شریعة الطریقة. تصحیح و تحشیه مدرس رضوی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۶). شرح مثنوی. جلد ۷. تهران: علمی و فرهنگی.
- الطروش، محمد بن الولید، (۱۸۷۲). سراج الملوک. تحقیق جعفر البیاتی. الطبعة الأولى. ریاض: الیس للکتب والنشر.
- طوسی، خواجه نظام‌الملک (۱۳۸۷). سیر الملوک. به اهتمام هیوبرت دارک. تهران: علمی و فرهنگی.
- العاکوب، عیسی (۱۹۸۹). تأثیر الحکم الفارسیة فی الادب العربی. الطبعة الاولى. دمشق: دارطلاس للدراسات والترجمة والنشر.
- عباس، احسان (۱۹۷۷). ملامح یونانیة فی الادب العربی. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- عنصرالمعالی، قابوس بن وشمگیر (۱۳۶۴). قابوس‌نامه. به اهتمام غلامحسین یوسفی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۵). احادیث و قصص مثنوی (تلفیقی از دو کتاب «احادیث مثنوی» و «ماخذ قصص مثنوی»). ترجمه کامل و تنظیم مجدد: حسین داودی. تهران: امیرکبیر.
- قزوینی، أبو اسحاق بن علی (۱۳۷۲). زهر الآداب و ثمر الآداب. مفصل و مضبوط و مشروح بقلم الدكتور زکی مبارک. الطبعة الثانية. مصر: مطبعة السعادة.
- الماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب (۱۹۸۶). أدب الدنيا والدين. دار مكتبة الحياة.
- محفوظ، حسین علی (۱۳۷۷). مثنوی و سعدی و مأخذ مضامین سعدی در ادب عربی. تهران: روزنه.
- محقق، مهدی (۱۳۴۰). در جستجوی مضامین و تعبیّرات ناصر خسرو در احادیث و امثال و اشعار عرب. مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. سال نهم. شماره ۱. ۹۳-۳۳.
- محقق، مهدی (۱۳۸۶). تحلیل اشعار ناصر خسرو. چاپ هفتم. تهران: دانشگاه تهران.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۷). تاریخ‌گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: اساطیر.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۹). مثنوی معنوی. به سعی و مطابق نسخه رینولدالین نیکلسون. تهران: نگاه.
- المیدانی، ابوالفضل (بی‌تا). مجمع الأمثال. تحقیق و شرح محمد محیی‌الدین عبدالحمید. بیروت: دار المعرفة.

النوري، شهاب الدين أحمد بن عبد الوهاب (١٤٢٣). *نحابة الأرب في فنون الأدب*. تحقيق: مفيد قمحية و جماعة. بيروت: دار الكتب العلمية.

یوسفی، غلامحسین (١٣٦٨). *تصحیح و توضیح بوستان سعدی*. چاپ ششم. تهران: خوارزمی.

یوسفی، غلامحسین (١٣٨١). *تصحیح و توضیح گلستان سعدی*. چاپ ششم. تهران: خوارزمی.

References

The Holy Quran.

Nahj al-Balagha.

Abbas, E. (1977). *Greek features in Arabic literature*. Beirut: Al-Arabiya institution for Studies and publications (In Arabic).

Abu Firas, H. (2002). *Al-Diwan*. Taken care of and explained by Abd al-Rahman al-Mustawy. Beirut: Dar Al-Marfa'a (In Arabic).

Al-Abi, M. H. R. S. (2003). *Al-Dar's prose in lectures*. The researcher: Khalid Abdul Ghani Mahfoot. Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya (In Arabic).

Al-Akoob, Isa (1989). *The influence of Persian rule in Arabic literature*. First edition Damascus: Dartlas studies, translation and publications (In Arabic).

Al-Darabi, M. M. (1984). *Latifa Ghibi*, comprising an explanation of problematic verses by Khaje Shams-al-Din Muhammad Hafez Shirazi. an enclosure explaining the conventions of the people of Irfan and matching verses with clear verses of the Glorious Qur'an. Shiraz: Book of Ahmadi (In Persian).

Al-Jahiz, A. O. A. B. (2002). *Statement and clarification*. Beirut: Al-Hilal House and Library (In Arabic).

Al-Mawardi, A. H. A. M. M. H. (1986). *Literature of the world and religion*. The Library of Life (In Arabic).

Al-Meidani, A. (Bi-Ta). *Assembly of proverbs Research and description of Mohammad Mohaieddin Abdul Hamid*. Beirut: Dar al-Marafa publications (In Arabic).

Al-Nawiri, Sh. D. A. A. W. (2002). *The ultimate point for Arab world in literary arts*. Research: Mufid Qomhiya and Jama'ah. Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya publications (In Arabic).

Al-Raghib Al-Isfahani, A. Q. H. M. (1999). *Lectures of writers and dialogues of poets and rhetoricians*. Beirut: Dar Al-Arqam Bin Abi Al-Arqam Company (In Arabic).

Al-Tanukhi, A. A. (1978). *Relief after distress*. Investigation: Abboud Al-Shalji. Beirut: Dar Sader (In Arabic).

Al-Tartushi, M. W. (1872). *Siraj al-Muluk* Research by Jafar Al-Bayati. first edition Riyad: Al-Rais for books and publications (In Arabic).

Al-Tawhidi, A. H. A. M. A. (1988). *Insights and ammunition*. Investigator: Widad Al-Qadi. Beirut: Dar Sader (In Arabic).

Al-Tawhidi, A. H. A. M. A. (Bi-Ta). *Friendship and friend*. Explanation and comment on Metwally Salah. The typical printing press (In Arabic).

Al-Thaalibi, A. M. A. M. (Bi-Ta). *Miracles and brevity*. Baghdad: Dar Al-Bayan Library (In Arabic).

Al-Zajaji, A. R. I. B. (1987). *al-Amali*. Beirut: Dar Al-Jil (In Arabic).

- Amadi, A. A. T. (1993). *Gharr al-Hakm and Darr Al-Kalam*. Research: Alireza Barazesh. Tehran: Amirkabir (In Arabic).
- Beyhaqi, A. M. H. (2008). *Beyhaqi History*. Introduction, proofreading, notes, explanations and list-making: Mohammad Jafar Yahaghi and Mehdi Seidi. Tehran: Sokhan (In Persian).
- Damadi, S. M. (2001). *Common contents in Persian and Arabic literature*. Second Edition. Tehran: Danishgah Tehran (In Persian).
- Dehkhoda, A. A. (1974). *Proverbs and judgment*. Third Edition. Tehran: Amir Kabir (In Persian).
- Farozanfar, B. A. Z. (2007). *Stories and Talks of Masnavi (compilation of two books; "Masnavi Talks" and "Maqheed of Masnavi Stories")*. Complete translation and re-editing: Hossein Davoodi. Tehran: Amir Kabir Publications (In Persian).
- Hafez, Sh. M. (1990). *Court Try it, Khalil Khatib, the leader*. Tehran: Safi Alisha (In Persian).
- Ibn Abi Al-Hadid, A. H. E. (1988). *Explanation of Nahj al-Balaghah*. Investigator: Muhammad Abu Al-Fadl Ibrahim. Dar Ahya Al-Kutub Al-Arabiya, Issa Al-Babi Al-Halabi and Partners (In Arabic).
- Ibn al-Jawzi, A. F. A. R. A. M. (1992). *Al-Muntazem in the history of kings and nations*. The study and research of Mohammad Abdulkader Atta and Mustafa Abdulkader Atta. Narrated by Naeem Zarzour. Beirut: Dar al-Kutub al-Elamiy (In Arabic).
- Ibn Dajaji, S. N. S. H. (Bi-Ta). *Saft Al-Malh and Zoh al-Tarh*. Research: Khaled Ahmed Al-Molla Al-Suwaiddi. Beirut: Dar Kenan publications (In Arabic).
- Ibn Hamdoun, M. H. M. A. (1997). *Al-Taquireh Al-Hamdouniyya*. Beirut: Dar Sader (In Arabic).
- Ibn Maskaweh, A. A. A. M. (1996). *The wisdom of Al-Khalida. Abdulrahman Badavi's research*. Cairo: Al-Nahda Egyptian Library (In Arabic).
- Ibn Qutayba al-Dinuri, A. M. A. M. (Bi-Ta). *Ayun Al-Akhbar*. Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya (In Arabic).
- Ibn-e Maqfa, A. (1987). *The minor and the major literature*. Beirut: Dar Beirut for printing and publishing (In Arabic).
- Ibn-e Maqfa, A. (1996). *Kalila and Al-Damna*. Examining and commenting the various versions by Sheikh Elias Khalil Zakharia. Dar Al-Andalus Printing, publication and Distribution (In Arabic).
- Istilami, M. (2001). *Introduction, corrections and annotations of Masnavi Manavi*. Volume 5. Tehran: Mahart (In Persian).
- Istilami, M. (2006). *Introduction, corrections and annotations of Masnawi Manavi*. Volume 3. Tehran: Mahart (In Persian).
- Jami, A. R. A. (2000). *Masnavi Haft Aurang*. An introduction by Alakhan Afsahzadeh, research and proofreading by Jabalqa Dadalishah, Tehran: Center for Iranian Studies (In Persian).
- Khazaeli, M. (1990). *Description of Golestan*. The seventh edition. Tehran: Javaidan (In Persian).
- Khorramshahi, B. (2016). *Hafez name description of words, declaration, key concepts*

- and difficult verses of Hafez*, first part, volume 1, 22nd edition, Tehran: Scientific and Cultural (In Persian).
- Mahfouz, H. A. (1999). *Mutanabbi and Saadi and the intakes of Saadi in Arabic literature*. Tehran: Rozaneh (In Persian).
- Mohaghegh, M. (1962). An investigation of the contents and expressions of Naser Khusraw in conversations, proverbs, and Arab poetry. *Faculty of literature Journal*, Tehran University, 9 (1). 33-93 (In Persian).
- Mohaghegh, M. (2006). *Analysis of Nasser Khosrow's poems*. The seventh edition. Tehran: University of Tehran (In Persian).
- Mostofi, H. (2009). *Tarikh-e Ghozideh*. Reference from; Abdul Hossein Navaei. Tehran: Asatir Publications (In Persian).
- Moulawi, J. M. (2001). *Masnavi Maanavi*. In accordance with the copy of Reynolds Nicholson. Tehran: Negah Publications (In Persian).
- Onsor al-Maali, Q. W. (1986). *Qaboos Name*. Reference from Gholamhossein Yousefi. Tehran: Scientific and Cultural publishing institution (In Persian).
- Qairwani, A. I. A. (1994). *The poison of ethics and the fruit of ethics*. Detailed by Dr. Zaki Mubarak. Second edition Egypt: Al-Saada Press (In Arabic).
- Saadi, M. (2007) *Koliat-e Saadi*. Corrected by Mohammad Ali Foroughi. First Edition. Tehran: Hermes (In Persian).
- Sanai Ghaznavi (2005). *Hadighat Al-Haghighat & Shariaat Al-Tarighat*. Correction and revision of Modares Razavi. Tehran: Academic Publishing Center (In Persian).
- Shahidi, S. J. (2008). *Commentary on Masnavi*. Volume 7. Tehran: Scientific and Cultura publications (In Persian).
- Tusi, Kh. N. M. (2009). *Sir al-Muluk*. reference from; Hubert Dark. Tehran: Scientific and Cultural Publications (In Persian).
- Yousefi, Gh. (1990). *Correction and explanation of Boostan-e Saadi*. Sixth edition. Tehran: Kharazmi (In Persian).
- Yousefi, Gh. (2003). *Golestan-e Saadi's correction and explanation*. Sixth edition. Tehran: Kharazmi (In Persian).
- Zamakhshari, A. Q. M. O. (1992). *Rabi` al-Abrar va the Nesus al-akhyar*. Beirut: Scientific Foundation (In Arabic).
- Zarrin-Kub, A. H. (2010). *Serre Ney*. Volume 1, Tehran: Scientific (In Persian).

